

مریم آقایی بجزستانی
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی سمنان
maqaib@gmail.com
نعیمه موحدی
طلبه سطح سه مجتمع الزهرا سمنان

جنگ روانی یهود علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

چکیده

«جنگ روانی» شیوه‌ای است که همواره برای تأثیر بر روح و روان دشمن و غلبه بر او مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جنگ‌های یهود علیه پیامبر(ص) و مسلمانان بخش مهمی از تاریخ زندگی پیامبر را تشکیل می‌دهد. یکی از شیوه‌های یهود برای غلبه بر مسلمین استفاده از انواع جنگ‌های روانی علیه پیامبر و جامعه نوپای مسلمان بوده است. بررسی تنوع شیوه‌های جنگ روانی علیه پیامبر و شگردهای آن از ان جهت حائز اهمیت است که در کنار آن موضع‌گیری‌های حکیمانه آن حضرت میتواند راهگشای خوبی جهت عبرت گرفتن از تاریخ و شناخت راههای مقابله با دشمن باشد

در این نوشتار ضمن معرفی جنگ روانی به بررسی شیوه‌های مختلف آن و رویکرد پیامبر (ص) به این اقدامات پرداخته شده است

کلید واژه‌ها: جنگ روانی، یهود، اسلام، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم).

مقدمه

دین اسلام و پیامبرش حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله - از آغاز ظهور خود با دشمنی‌ها و کارشکنی‌های گروه‌های مختلفی مواجه بود. یکی از این گروه‌ها که تلاش زیادی برای براندازی این حرکت انجام دادند یهودیان مدینه بودند. آنان در ابتدا به شوق دیدن پیامبر آخر الزمان به مدینه کوچ کرده بودند و در این سالیان موقعیت بسیار خوبی از لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی در مدینه پیدا کردند. اما اکنون با ظهور پیامبر آخرین - صلی الله علیه و آله - این موقعیت‌های خود را در خطر دیدند. همین احساس خطر و حس نژاد پرستی و لجاجت بیش از حد این قوم باعث شد که نه تنها دعوت او را اجابت نکنند بلکه به دشمنی و مقابله با او برخیزند. و در این میان هر چند ظاهراً دست به سلاح نظامی نبردند، اما این هرگز مانع از جنگ و عملیات‌های روانی بر ضد آیین جدید نشد. که این عملیات‌ها تقریباً در تمام طول حضور پیامبر - صلی الله علیه و آله - در مدینه، چه زمانی که ظاهراً با هم در صلح بودند و چه زمانی که در جنگ، بر ضد ایشان و آیین شان؛ ادامه داشت. از آنجا که از عصر پیامبر - صلی الله علیه و آله - تا کنون مسلمانان همیشه درگیر با این قوم بودند و از حيله‌ها و ترفندهای آنان در امان نبودند، لذا ضروری است که به این بحث پرداخته شود.

در میان مورخین اسلامی اکثراً به بیان تاریخ کلی عمومی صدر اسلام پرداخته اند و عده‌ای نیز به طور خاص مناسبات یهود و اسلام را بررسی کرده اند، اما در این میان هیچ یک به طور مستقل و صریح به جنگ و عملیات روانی یهودیان علیه پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - و آیین مقدسش و شیوه‌های آنان در این جنگ نپرداخته است.

در این تحقیق با هدف بررسی شیوه‌های جنگ روانی یهود علیه پیامبر - صلی الله علیه و آله - و اسلام ابتدا جنگ روانی را تعریف و سپس به بیان شیوه‌ها و مصادیق استفاده یهود از آن‌ها می‌پردازیم:

تعریف جنگ روانی

«جنگ روانی» شیوه‌ای است که از عصر باستان تا کنون به هدف تسلط بر افکار و عقاید طرف مقابل صورت می‌پذیرفت اگر چه تا روزگار کنونی تعریفی جامع برای آن ارائه نشده است؛ هر فرهنگ‌نامه سیاسی یا کشوری طبق استفاده خود تعریفی از آن ارائه می‌دهد. به عنوان مثال وزارت

دفاع آمریکا در سال 1955 در کتابی تحت عنوان صحنه نبرد (که شامل جدیدترین نقطه نظرات رسمی در خصوص مفاهیم و مبادی جنگ روانی بود) این جنگ را چنین تعریف می‌کند: «جنگ روانی استفاده برنامه ریزی شده از تبلیغات و سایر اعمالی است که قبل از هر چیز با هدف تأثیر به نظرات، احساسات، مواضع و رفتار جوامع دشمن، بی طرف یا دوست و به شیوه‌ای خاص دستیابی به اهداف ملی صورت می‌گیرد.»^۱

همان طور که می‌بینیم در این تعریف استفاده از سایر فعالیت‌ها، غیر از تبلیغات را هم جزء تعریف جنگ روانی می‌داند و آن را بر جوامع دشمن و مواقع جنگ حالت فوق العاده محدود نمی‌کند و ابزار خاصی نیز برای آن ارائه نمی‌دهد.

اما برخی دیگر از تعریف‌ها جنگ روانی را تنها منحصر در تبلیغات یا فقط مخصوص زمان جنگ یا حالت فوق العاده و یا تنها در مورد جوامع دشمن می‌دانند.^۲ پرسشی که در این جا پیش می‌آید این است که آیا جنگ روانی به موارد ذکر شده محدود می‌شود یا نه؟ صلاح نصر نویسنده کتاب «جنگ روانی» که کتابی مرجع در این زمینه محسوب می‌شود؛ در کتابش می‌نویسد: «در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت عرصه جنگ روانی و مرزهای آن به این موارد محدود نمی‌شود.»^۳ اما حسین متفکر، نویسنده کتابی با همین عنوان معتقد است که با جمع بندی نظریه‌های ارائه شده در این زمینه جنگ روانی را می‌توان چنین تعریف نمود: «جنگ روانی استفاده برنامه ریزی شده از تبلیغات به وسیله عوامل آشکاری همچون: رادیو، تلویزیون، مطبوعات و ... و عوامل پنهانی مانند شایعه به منظور تعریف عقاید، تضعیف روحیه مردم یا ارتش و بی اعتبار کردن انگیزه‌ها و کاستن اقتدار حکومت مخالف است.»^۴

اما آن چه به نظر می‌رسد این است که نمی‌توان شیوه‌ها، ابزار و اهداف جنگ روانی را به موارد ذکر شده در بالا محدود کرد و نظریه صلاح نصر به صواب نزدیکتر می‌نماید.

شیوه‌های جنگ روانی و مصادیق استفاده یهود از آن

الف) فریب

«فریب» یکی از شیوه‌های جنگ روانی است که در آن تلاش می‌شود مخاطب در یک فضای روانی، مخالف با آن چه واقعیت دارد، سوق داده شود و روان مخاطب و گروه هدف طوری مورد تهاجم قرار گیرد که مجری این طرح به هدف خود برسد.

از نظر روان‌شناسی، فردی که در حال منازعه با حریف یا دشمن است همواره می‌کوشد تا خود را در موضع هوشیارانه نسبت به او قرار دهد، زیرا هر لحظه خود را از ناحیه او در معرض خطر می‌بیند. تمام هنر تاکتیک فریب، شکستن این حالت روانی در حریف است.^۵

یهودیان مدینه نیز سعی کردند از این شیوه بر علیه پیامبر - صلی الله علیه و آله - نهایت استفاده را کنند و بر زعم خود ایشان را فریب دهند. به همین منظور عده‌ای از سران آن‌ها به حضور پیامبر - صلی الله علیه و آله - آمده و گفتند: ما بزرگان و عالمان یهود هستیم و اگر از تو پیروی کنیم، همه یهود به تو می‌گروند و با ما مخالفتی نخواهند کرد. تنها شرط این کار این است که میان ما و گروهی که با آن‌ها در نزاع هستیم داوری و به سود ما حکم کنی. اما پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - توطئه آن‌ها را خنثی و از این کار اجتناب کردند.^۶ خداوند نیز در قرآن از این توطئه سخن گفته و پیامبر - صلی الله علیه و آله - را از این فتنه جویان بر حذر داشته است: «وَأَنْ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَأُحْذِرْهُمْ أَنْ يُفْتَنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ»^۷

وای پیامبر به آن چه خدا به سوی تو فرستاده میان مردم حکم کن و پیرو خواهش‌های آن‌ها مباش و بیندیش که مبادا تو را فریب دهند و در بعضی احکام که خداوند به تو فرستاده تقاضای تغییر کنند پس هرگاه از حکم خدا روی گردانیدند (باک مدار و) بدان که خدا می‌خواهد آن‌ها را به عقوبت بعضی گناهانشان گرفتار سازد و همانا بسیاری از مردم فاسق و بدکارند.

همان طور که می‌بینیم در این واقعه یهودیان سعی داشتند با وعده ایمان پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - را به زعم خود فریب داده و با مقاصد خود همراه سازند اما با تدبیر ایشان و وحی خداوند متعال طرحشان با شکست مواجه گردید.

ب) شایعه

«شایعه» یکی از مهم ترین شیوه‌های جنگ روانی است. پدیده‌ای است که بر اساس شنیده‌ها و زمینه‌های قبلی افکار عمومی شکل می‌گیرد. خبری است که دهان به دهان نقل می‌شود و به سرعت یک جامعه را در برمی‌گیرد. شایعه ممکن است از یک خبر ناشی شود و یا صرفاً از هیاهویی بی اساس به وجود آمده و توسط منبعی جعل شده باشد. اما آن چه مسلم است این است که شایعه در واقع تمایلات و امیال ذهنی یک طبقه و قشر اجتماعی است که سعی می‌کنند آن را به صورت عینی نشان دهند.^۸

اهمیت پیش آمد یا شخصی که در شایعه مطرح شده است، و نیز ضرورت وجود ابهامی که آن را فرا گرفته باشد، شرط اساسی در گسترش یک شایعه به شمار می‌رود.^۹

در زمان پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - پخش و گسترش شایعات عمدتاً از سوی منافقین صورت می‌گرفته است. به طوری که صفحات تاریخ نمونه‌های بسیاری از آن را در خود ضبط کرده است.

اما یهودیان ظاهراً تنها در یک مورد سعی کردند که در پخش شایعات به منافقین یاری برسانند و آن زمانی بود که در هنگام جنگ بدر به دلیل پیمانی که با پیامبر - صلی الله علیه و آله - داشتند نمی‌توانستند مشرکان قریش را در جنگ با ایشان یاری کنند. بنابراین، منتظر و امیدوار بودند که مشرکین بتوانند نتیجه جنگ و سرنوشت پیامبر - صلی الله علیه و آله - را به سود خود رقم بزنند. زیرا که در غیر این صورت عزت و شوکت مسلمانان بیشتر و عرصه بر آنان تنگ تر می‌شد. اما علم و اراده خداوند به یاری رسولش و پیروزی او در جنگ قرار گرفت. و پیامبر - صلی الله علیه و آله - و یارانش در این جنگ به پیروزی رسیدند.

حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - زید و عبدالله بن رواحه را با شتر خود به مدینه فرستادند تا خبر فتح و پیروزی را به اطلاع اهالی مدینه برسانند. زمانی که یهودیان و منافقین خبر قتل سران کفر از قبیل عتبه، شیبه، ابوجهل، امید و ... را از این شنیدند سعی کردند بگویند این خبر دروغ است. بلکه محمد - صلی الله علیه و آله - کشته شده و این شتر بی صاحب اوست که به شهر آورده اند؛ و

این زید است که از ترس و ناراحتی نمی‌داند که چه می‌گوید.^{۱۰} البته طولی نکشید که با ورود رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و یارانشان این توطئه نیز ابتر ماند.

ج) تحریف واقعیات

«تحریف واقعیات» یکی دیگر از شیوه‌های جنگ روانی است که عبارت است از «قلب واقعیات و انحراف اذهان عمومی از حق به باطل و بازی با حقایق مسلم و دگرگون جلوه دادن مسایل»^{۱۱}.

تحریف در دو قسم تحریف لفظی و معنوی است. در تحریف لفظی، تحریف کننده لفظ را کم و زیاد یا ظاهراً مطالبی را عوض می‌کند، اما در تحریف معنوی حقایق و جملات طوری توجیه و تفسیر می‌شوند که درست بر خلاف و ضد معنای واقعی آن هاست.^{۱۲}

می‌توان گفت تحریف واقعیات شیوه‌ای است که بیش از سایر شیوه‌ها مورد استفاده یهودیان مدینه قرار گرفته است تا بدین وسیله از گرویدن مردم و هم‌کیشان خود به دین اسلام جلوگیری کنند. تحریفات آنان در اکثر موارد مربوط به علائم ذکر شده در مورد پیامبر آخر الزمان در کتاب مقدس می‌شود. اما گاه در موارد دیگری هم از این روش برای تضعیف روحیه مسلمین و تمسخر آنان بهره می‌گرفتند. به طوری که وقتی پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - احکام و آیات الهی را بیان می‌کردند، گروهی از مسلمین از ایشان تقاضا می‌کردند که با تأنی و مهلت سخن بگویند و در این مورد از لفظ «راعنا» که از ماده «رعی» به معنای مهلت دادن است، استفاده می‌کردند. اما همین لفظ می‌توانست از ماده «رعونه» که به معنای حماقت و کودنی است، گرفته شود، که در آن صورت به معنای «ما را تحمیق کن» می‌دهد. یهود به هنگام سخن گفتن با پیامبر - صلی الله علیه و آله - با به کارگرفتن لفظ «راعنا» معنای دوم را قصد می‌نموده و پیامبر - صلی الله علیه و آله - و مسلمین را به استهزاء می‌گرفتند. به همین جهت به مسلمانان دستور داده شد که از به کاربردن این کلمه خودداری ورزند و به جای آن از لفظ «انظرنا» استفاده کنند: «یا ایها الذین آمنوا لا تقولوا راعنا و لکن قولوا انظرنا و اسمعوا و للکافرین عذاب مهین»^{۱۳}

ای افراد با ایمان به هنگام درخواست مهلت از پیامبر - صلی الله علیه و آله - نگویند «راعنا» (تا دستاویزی برای دشمن شود) بلکه بگویند «انظرنا» این دستور الهی را بشنوید و برای کافران عذاب دردناکی است.^{۱۴}

اما در مورد تحریف کتاب مقدس و علائم پیامبر آخرالزمان در آن، این تحریف به صورت لفظی بوده است و گاه به صورت تحریف معنوی. در تحریف لفظی، علمای یهود هر ساله دست به تغییر این علائم می‌زدند و موارد مورد نظر خود را به عوام القا می‌کردند. این تغییر به خاطر منافی بود که هر ساله از ناحیه عوام به آن‌ها می‌رسید.

با ظهور پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - نیز برای جلوگیری از افشای رازشان و جلوگیری از درآمدن مردم به دین ایشان همان آیات تحریف شده را به ایشان می‌خواندند.^{۱۵} قرآن با اشاره به این عملیات علمای یهود می‌فرماید: «فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهم ثم یقولون هذا من عندالله یشتروا به ثمناً قليلاً فویل لهم مما کتبت أیدیهم و ویل لهم مما یکسبون»^{۱۶}

پس وای بر کسانی که از پیش خود چیزی نوشته و به خداوند متعال نسبت می‌دهند تا به بهای اندی (و متاع ناچیز دنیا) بفروشند. وای بر آن‌ها از آن نوشته‌ها و آن چه از آن بدست آرند.

عالمان یهودی به شیوه‌ای دیگر نیز کتاب خود را تحریف می‌کردند. به این صورت که آیات تورات را به صورت آیات قرآن در می‌آوردند و بعد از آن این مطلب را در ذهن مسلمانان تزریق می‌کردند که همه مطالب قرآن از تورات گرفته شده است تا به این وسیله به خیال خود ریشه ایمان مؤمنان را سست کنند.^{۱۷}

اما در تحریف معنوی، در بسیاری از موارد می‌بینیم که علمای یهود و قتی با پرسش مخاطبان خود مبنی بر تطبیق پیامبر آخرالزمان در تورات با پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - ، مواجه می‌شوند؛ سعی می‌کنند این علائم را به طور دیگری تفسیر و توجیه کنند، به طور مثال گاهی می‌گویند: آن چه در تورات در مورد محمد و علی - علیهما السلام - آمده است، راست است، لکن این محمد و علی - علیهما السلام - که در عصر ما هستند، آن کسانی که تورات می‌گویند نیستند. بلکه آنان پانصد سال بعد می‌آیند.^{۱۸}

این گروه مخاطب این آیه واقع شدند: «و لا تلبسوا الحق بالباطل و لا تکتتموا الحق و أنتم تعلمون»^{۱۹} حق را به باطل می‌پوشانید تا حقیقت را پنهان سازید، حال آن که به حقایق آن واقفید.

آن‌ها در مقابل محمد بن مسلم که برای ابلاغ حکم پیامبر - صلی الله علیه و آله - به جلاء وطن بنی نظیر نزد آن‌ها آمده بود، و پیش از ابلاغ آن، از آن‌ها در مورد علانمی از پیامبر آخرالزمان برایشان گفته بودند، سؤال کرده بود؛ نیز همین ادعا را مطرح کردند.^{۲۰}

آن‌ها حتی به یکدیگر نیز رحم نکرده و حتی برخی از آنان در مقابل برخی دیگر که به حقانیت پیامبر اسلام واقف بودند، موضع می‌گرفتند و آن‌ها را از نظر حق خود منحرف می‌کردند و نمونه این مورد زمانی بود که رؤسای یهود، در مورد تصمیم‌گیری در رابطه با پیمان شکنی بنی قریظه و همکاری آنان با مشرکان مکه در جنگ خندق در منزل کعب بن اسد جمع شده بودند و با حیی بن أخطب دیدار داشتند و پس از شنیدن کلام او تمایل خود را برای متابعت از رأی او ابراز کردند. اما در این میان زید بن یاطا از سران یهود با یادآوری نشانه‌های ذکر شده در تورات به آن‌ها توصیه کرد که اگر از من می‌شنوید، عهد خود را با محمد - صلی الله علیه و آله - هرگز پاره نکنید؛ که او همان پیامبر خداست که در کتاب ما معرفی شده است. اگر این کوه‌ها بر او بشورند، او بر آن‌ها غالب می‌آید.

اما حیی بن أخطب به او پاسخ داد: این محمد - صلی الله علیه و آله - آن پیامبر موعود نیست، این از عرب است و از فرزندان اسماعیل و هرگز بنی اسرائیل از بنی اسماعیل تبعیت نمی‌کند. ... موسای نبی چنین سفارش کرده است که ما به رسولی ایمان بیاوریم که قربانی‌ای بیاورد که آتش آن را ببرد و با محمد چنین نشانه‌ای نیست... او آن قدر به این شیوه با رؤسای قوم گفتگو کرد تا راضی شوند، پیمان خود را با رسول خدا بشکنند و با او آماده جنگ شوند.^{۲۱}

(د) تفرقه افکنی

«تفرقه افکنی» یکی دیگر از شیوه‌های شناخته شده برای ایجاد جنگ روانی در میان آحاد یک ملت و همسایگانش است. هرگاه گروه یا کشوری خواسته است به مردم یا گروه‌های دیگر نفوذ و تسلط داشته باشد، بذر نفاق و تفرقه را در میان آن‌ها کاشته است. گسستگی در میان آحاد یک ملت بهترین شرایط را برای ایجاد پراکندگی فکری و به هدر رفتن انرژی مثبت و کارایی یک ملت است. «اصل تفرقه بینداز و حکومت کن» بر همین مطلب دلالت دارد و اهمیت آن را به خوبی نشان می‌دهد.^{۲۲} یهودیان مدینه نیز با استفاده از این اصل بین دو قبیله اوس و خزرج اختلاف و دو دستگی ایجاد و بدین وسیله تمرکز قدرت را از آن‌ها سلب کرده بودند و همین عامل رشد آن‌ها در زمینه‌های

مختلف اقتصادی، سیاسی و ... شده بود. اما با ظهور اسلام و ایجاد اتحاد بین این دو قبیله بزرگ در سایه تعالیم اسلامی این طرح شوم خود را در معرض نابودی دیدند؛ بنابراین دست به اقدامات مختلفی زدند تا رابطه آن‌ها را به دوران جاهلیت برگردانند؛ تا بدین طریق هم با به وجود آوردن جنگ‌های داخلی مانع پیشرفت اسلام شوند و هم منافع گذشته خود را دنبال کنند. به همین منظور همواره مترصد فرصتی بودند تا نقشه‌های خود را در این زمینه عملی کنند و به مقصود خود دست یابند.^{۲۳} این فرصت زمانی فراهم شد که دو طایفه اوس و خزرج در محلی تجمع کرده بودند. این تجمع «شاس بن قیس» بازیگر یهودی این صحنه را سخت متأثر ساخت. او با دیدن اتحاد امروز این دشمنان دیروز در صدد بر آمد که این دوستی و تفاهم را از بین ببرد و بین آن‌ها تفرقه ایجاد کند؛ پس به یکی از جوانان یهودی دستور داد تا به میان آنان برود و جریان جنگ‌های دوران جاهلی مانند «یوم بعات»^{۲۴} را مطرح و خاطره دشمنی‌های گذشته را زنده کند. او چنین کرد و توانست شیرینی برادری بین جمعیت حاضر را به تلخی بکشاند، به گونه‌ای که به یکدیگر تفاخر ورزیدند و گفتگو بالا گرفت تا جایی که «اوس بن قیظی» از اوس و «جبار بن صفر» از خزرج با هم قرار گذاشتند که در محلی یکدیگر را با شمشیرهای برهنه ملاقات کنند. با رسیدن این خبر به رسول خدا - صلی الله علیه و آله - آن حضرت به نزد ایشان شتافتند و فرمودند: «الله، الله» مبادا به جاهلیت رو کنید و به ندای کفر پاسخ دهید در حالی که خداوند شما را به اسلام هدایت کرده است، و من هنوز در بین شما هستم.

آیات 98-105 سوره آل عمران مبنی بر لزوم ایمان و وحدت و پرهیز از تفرقه و بازگشت به جاهلیت نیز در همین زمان نازل شد تا باز دیگر مؤمنان را از گرفتار شدن در دام یهودیان و بازگشت به سنت‌های جاهلی شان نگاه دارد.^{۲۵}

هـ) ترور شخصیت

اصطلاح «ترور» در برگیرنده مراتب و حالات متعددی از ایجاد نگرانی، دلهره و ترس است. ایجاد این حالات و در واقع «ترور» به دو نحو انجام می‌شود: ترور شخصی و ترور شخصیت. ترور شخصی همان ترور فیزیکی است که در آن جسم شخص مورد نظر مورد تعرض قرار می‌گیرد؛ اما در ترور شخصیت سعی در مخدوش کردن حیثیت شخص است که یکی از مهمترین شیوه‌های جنگ روانی به حساب می‌آید.^{۲۶}

یهودیان مدینه نیز از این شیوه به خوبی برای رسیدن به منافع خود استفاده کردند و در این راه حتی به هم کیشان قدیمی خود رحم نکردند. زمانی که تعداد معدودی از یهودیان مانند عبدالله بن سلام، ثعلبه بن سعید و ... به دین اسلام گرویدند، این اقدام آن‌ها خشم سران آن‌ها را برانگیخت و برای تحقیر گرایش شخصیت این افراد و ترور شخصیت آن‌ها گفتند: این‌ها از «اشرار» یهود بودند که دین اسلام را پذیرفتند و اگر از «اخیار» ما بودند، آیین نیاکان خود را ترک نمی‌گفتند. اما قرآن کریم این گروه را تنزیه می‌کند^{۲۷} و در مورد آن‌ها می‌فرماید: «لیسوا سواء من أهل الكتاب أمة قائمة يتلون آیات الله آناء الليل و هم یسجدون»^{۲۸}

همه اهل کتاب یکسان نیستند، طایفه‌ای از آن‌ها در دل شب به تلاوت آیات خدا و نماز و طاعت حق مشغولند.

پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - و مسلمانان پیرو ایشان نیز از این جمله در امان نبودند. با توجه به نقش بسیار پررنگ شعر در آن زمان و در منطقه حجاز یهودیان با استفاده از این عامل تأثیرگذار و اجیر کردن شاعران زبردست خود در ترور شخصیت پیامبر - صلی الله علیه و آله - و یاران‌شان و هجو ایشان بهره گرفتند. «کعب بن اشرف» شاعر بد زبان و کینه توز یهود از نمونه بارز این شاعران است که پیوسته پیامبر - صلی الله علیه و آله - و مسلمانان را با اشعار خود مورد اهانت قرار می‌داد. «ابا عفک» یکی دیگر از این افراد است. که بعد از پیروزی رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و مسلمین در جنگ به آنان حسادت برد و سعی کرد با هجو آن حضرت در شعر خود شخصیت ایشان را در بین مردم تضعیف و مردم را به عداوت با ایشان تشویق کند. که در نهایت این تلاش‌ها تنها به گریبان خودش را گرفت. باعث شد تا به دست جوانی تازه مسلمان به قتل برسد.^{۲۹}

از دیگر راه‌های یهود برای ترور شخصیت از بین بردن شخصیت مسلمانان بود. به طوری که آن‌ها را در اجتماعات گوناگون کوچک می‌شمردند و به آن‌ها نسبت‌های ناروا می‌دادند.^{۳۰} شخص پیامبر - صلی الله علیه و آله - نیز از این حملات در امان نبودند، ایشان علاوه بر این که در اشعار افرادی مانند ابا عفک مورد هجو قرار می‌گرفتند، به صورت‌های دیگر نیز در این رابطه مورد هجوم بودند. داستان تغییر قبله یکی از مهم‌ترین این حمله هاست. در حالی که خداوند شاید برای نشان دادن نزدیکی دو آیین به پیامبر - صلی الله علیه و آله - دستور داده بود به سمت بیت المقدس نماز

بخوانند؛ اما یهودیان که خطر گسترش اسلام احساس کرده بودند این موضوع را دستاویزی برای خود قرار دادند و گفتند: محمد، مدعی است که دارای آیین مستقلی است در صورتی که او هنوز قبله مستقلی ندارد و به قبله جامعه یهود نماز می‌گذارد. این حملات آن قدر ادامه داشت و گسترده بود که پیامبر - صلی الله علیه و آله - هر لحظه منتظر و تقاضامند نزول وحی و تغییر قبله از جانب خداوند متعال بودند^{۳۱} و با نازل شدن آیات 143 و 144 سوره بقره این مهم حاصل شد. و یهودیان یکی دیگر از ابزارهای خود را برای ایجاد جنگ روانی علیه پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - از دست دادند.

و) تحریک

منظور از «تحریک» انجام اقداماتی است که بر روی حالات و رفتارهای مخاطب تأثیر می‌گذارد. در این روش، اعمال کننده جنگ روانی با ارائه پیام‌هایی به تحریک احساسات مخاطبان می‌پردازد و آنان را به سوی تحقق اهداف مورد نظر خود سوق می‌دهند.^{۳۲}

سران یهود و مدینه از این شیوه برای تحریک مشرکان مکه به جنگ با پیامبر - صلی الله علیه و آله - استفاده کردند. به طوری که گروهی از آن‌ها به سرکردگی کعب بن اشرف بعد از جنگ احد به مکه رفتند، تا مشرکان مکه را با خود هم پیمان کرده و پیمان خود را با پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - بشکنند. آن‌ها در این راه و برای جلب نظر مشرکین حتی بر بت‌های آنان سجده کردند. زمانی که ابوسفیان از آن‌ها پرسیده بود: با توجه به این که شما اهل کتاب و باسواد هستید، بگویید آیین ما بهتر است یا محمد - صلی الله علیه و آله -؟ گفتند به خدا سوگند آیین شما از آیین محمد - صلی الله علیه و آله - برتر است و شما راه یافته‌تر از او و پیروانش هستید.^{۳۳} تا از این طریق بتوانند آن‌ها را به همراهی با خود تحریک و تشویق کنند.

نمونه دیگر این عملیات، اقدام حیی بن أخطب است. او برای راضی کردن کعب بن أسد قظلی به نقض پیمان با پیامبر - صلی الله علیه و آله - به او مراجعه کرد. اما کعب حاضر نشد او را بپذیرد. ابن أخطب پایداری کرد و با صحبت‌های مختلف سعی کرد او را نرم کند؛ اما کعب گفت: من با محمد - صلی الله علیه و آله - عهد دارم و نمی‌خواهم آن را بشکنم و از او جز وفا و صداقت چیزی ندیده‌ام. اما بالاخره ابن أخطب با استفاده از حساسیت عرب بر مهمان نوازی توانست او را بر باز

کردن درب خانه اش راضی کند. او گفت: وای بر تو در را باز کن تا با تو صحبت کنم می‌ترسی از طعام تو بخورم. کعب با شنیدن این سخن به غیرت آمد و در خانه را باز کرد و او داخل شد و گفت: من با تمام قریش و غطفان وردمه تا نزدیکی احد آمده ایم و آن‌ها در آن جا مستقر شده اند و قسم یاد کرده اند تا محمد - صلی الله علیه و آله - را از بین نبرند از پای ننشینند. کعب گفت: وای بر تو من از محمد - صلی الله علیه و آله - جز وفا چیزی ندیدم، مرا رها کن. اما ابن اخطب به او اطمینان داد که پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - از این جنگ جان سالم به در نخواهد برد و مدینه به زودی از وجود مسلمانان پاک خواهد شد. او آن چنان عظمت لشگر قریش را وصف کرد و به پیروزی آن‌ها را قطعی عنوان کرد تا کعب بن اسد با وجود آن مقاومت و استواری اولیه حاضر شد عهد خود را با رسول خدا - صلی الله علیه و آله - بشکند و از آن برائت بجوید.^{۳۴}

از این واقعه به خوبی مشخص می‌شود چگونه می‌توان با استفاده از حساسیت‌ها طرف مقابل و نیز تحریک احساسات و فکر او، او را به رفتار برخلاف عقیده خود و مطابق خواست مجری این طرح استفاده کرد.

ز) تشجیع

«تشجیع» روشی در جنگ روانی است که طی آن باید در مخازب شور و شوق حرکت به سوی هدف برانگیخته شود. در این روش با بهره‌گیری از جوانب عاطفی و احساس و استفاده از احساساتی چون حس دفاع از دین، وطن، نژاد و ... یا نفرتی از دشمن متجاوز مخاطبان تشجیع و برای نیل به هدف معینی تشویق می‌شوند.^{۳۵}

این روش نیز به خوبی مورد استفاده یهودیان قرار گرفت. آن‌ها گاه با شعرهای آتشین خود این مهم را به انجام می‌رساندند. همان طور کعب بن اشرف در سفر خود به مکه بعد از جنگ بدر؛ آن چنان با اشعار خود بر کشته شدگان بدر نوحه سرایی و سران مکه را به حمله مدینه تشویق می‌کند که فضای ناامیدی و شکست مکه را در معرض دگرگونی و شورش جدید قرار می‌دهد. به طوری که پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - «حسان بن ثابت» را به مقابله او می‌فرستد تا با اشعار خود، شعرهای او را خنثی کند، و او نیز به خوبی این مقابله را صورت داد به طوری که جو مکه دوباره بر علیه او تغییر کرد و او که عرصه را به خود تنگ دید، مکه را به سمت مدینه ترک کرد.^{۳۶-۳۷}

گاه نیز این اقدام نه با شعر بلکه صرفاً با گفتارها و لحن حماسی انجام می‌شود. برای این کار و همراه کردن مشرکان مکه با خود، سران سهود بار دیگر عازم مکه می‌شوند. و در دیدار با سران قریش چنین می‌گویند: محمد - صلی الله علیه و آله - شما و ما را هدف قرار داده و یهودیان بنی قینقاع و بنی نظیر را مجبور به ترک وطن نموده است. شما گروه قریش برخیزید و از هم پیمانان خود کمک بگیرید. هفتصد شمشیرزن یهودی در دهانه مدینه آماده اند همه آنها به یاری شما می‌شتابند. و این گونه سران سرخورده قریش را برای حمله‌ای دیگر (جنگ احزاب) به مدینه برانگیختند.^{۳۸}

ح) تطمیع

آز و طمع محرکی نیرومند است. در بسیاری از مواقع پاداش می‌تواند مخاطبان را به دگرگونی علائق، مقاصد و راهکارها تشویق و آنان را تطمیع کند.

گروهی که به این نکات پی برده باشند، به خوبی می‌توانند از آن برای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند. با استفاده درست از این روش، گاه دشمنان سابق تبدیل به گروهی بی طرف یا دوست می‌شوند و گاه گروه‌های بی طرف تبدیل به هم پیمانی وفادار.

یهودیان مدینه با استفاده از این روش، و با دادن وعده یک سال خرمای خیبر به قبیله غطفان، و وعده‌های دیگر به قبایلی چون «بنی سلیم، بنی اسد، و ... توانستند آنها را در جنگ با پیامبر - صلی الله علیه و آله - و جمع آوری لشگر ده هزار نفری با خود همراه سازند. حاصل این وعده‌ها، شرکت این قبایل در جنگ احزاب به نفع مشرکین مکه بود.^{۳۹}

نتیجه‌گیری

در این مقاله «شیوه‌های جنگ روانی یهود علیه پیامبر - صلی الله علیه و آله -» را بررسی کردیم و دیدیم که آنها از هر شیوه‌ای برای رسیدن به اهداف خود استفاده کردند. مخاطب جنگ روانی آنها نه فقط دشمنان (مسلمین) که افراد بی طرف (قبیله غطفان) و حتی دوستان بودند (مشرکین مکه، کعب بن اسد و ...)، آنها چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح به این شیوه خود عمل می‌کردند. و دیدین که چگونه با یک سخن می‌توانستند اوضاع را به نفع خود و بر علیه

پیامبراسلام - صلی الله علیه و آله - و پیروانش تغییر دهند. و همچنین بر هوشیاری و فراست پیامبر عظیم الشان خود - صلی الله علیه و آله - واقف شدیم که چگونه در هر مرحله با تدبیر خود توطئه‌های آنان را خنثی کردند. اکنون ما باید توجه داشته باشیم که دشمن آن روز پیامبر - صلی الله علیه و آله - هنوز هم بر علیه ما در صحنه حاضر است. و هرگز در طول تاریخ دست از دشمنی با مسلمین برنداشته است. فرق امروز با آن زمان این است که امروز او ابزار و امکانات بیشتری برای رسیدن به اهداف خود، در اختیار دارد. یهود امروز تمام امکانات رسانه‌ای و ارتباطی خود را برای ایجاد جنگ روانی بر علیه مسلمین به کار گرفته است، پس شایسته است ما نیز به تاسی از پیامبر خود - صلی الله علیه و آله - ، همیشه در موضع هوشیارانه نسبت به دشمن قرار داشته باشیم و با اتخاذ شیوه‌ی مناسب از دین و آیین خود در مقابل این دشمنان قسم خورده دفاع کنیم.

یادداشت‌ها:

- 1- نصر، صلاح؛ حقیقت کاشانی، محمود، جنگ روانی، تهران: سروش و مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای، 1387، ص 85.
- 2- برای مطالعه بیشتر پیرامون تعریف‌های جنگ روانی ر.ک: نصر؛ حقیقت کاشانی، همان، صص 85-83.
- 3- همان، ص 85.
- 4- متفکر، حسین، جنگ روانی، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، 1383، ص 17.
- 5- همان، صفحه 127.
- 6- رضا، محمد رشید، تفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفه، بی‌تا، جلد 6، ص 421.
- 7- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، سوره مائده، آیه 49.
- 8- متفکر، همان، صص 86-85.
- 9- نصر؛ حقیقت کاشانی، همان، ص 259.
- 10- واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بی‌جا: نشر دانش اسلامی، 1405 هـ.ق، جلد 1، ص 115.
- 11- متفکر، همان، ص 123.
- 12- همان، صص 124-123.
- 13- سوره بقره، آیه 104.
- 14- سبحانی، جعفر، منشور جاوید، نخستین تفسیر موضوعی قرآن به زبان فارسی، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، 1375، جلد 6، ص 294.
- 15- جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1353، جلد 1، ص 221.
- 16- سوره بقره، آیه 179.
- 17- عقیف عبدالفتاح طیاره، چهره یهود در قرآن، سید مهدی آیت‌اللهی، قم: جهان آرا، بی‌تا، ص 65.
- 18- تفسیر المنسوب إلى الامام الحسن العسکری، قم: مهر، 1409 هـ.ق، ص 230.
- 19- سوره بقره، آیه 46.
- 20- واقدی، همان، ج 1، صص 366-367.
- 21- القمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، نجف: النجف، 1387 هـ.ق، ج 2، ص 181-180.
- 22- متفکر، همان، صص 127-125.
- 23- جدید بناب، علی، تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، 1386، ص 49.

- 24 - جنگی در میان اوس و خزرج که در نهایت به پیروزی اوسیان انجامید.
- 25 - ابن هشام، السیره النبویه، بیروت: دار المعرفه، بی تا، صص 555-556؛ طائب، مهدی، تبار انحراف، قم: مؤسسه اطلاع رسانی و مطالعات فرهنگی لوح و قلم، 1388، ج 1، ص 250.
- 26 - متفکر، همان، صص 128-129.
- 27 - سبحانی، همان، 1375، جلد 6، ص 300.
- 28 - سوره آل عمران، آیه 113.
- 29 - واقدی، همان، جلد 1، صص 175-174.
- 30 - جدید بناب، همان، ص 78.
- 31 - سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: نشر دانش اسلامی، 1363، جلد 1، صص 484-483.
- 32 - خیلی نامحسوس، شگردهای جنگ روانی (4) درج شده در:
[http:// www. Tebyan. Net/ politics- social/ thought/ 2008 / 12 / 28, 1387/10/8, 1907. Html 8.](http://www.Tebyan.Net/politics-social/thought/2008/12/28,1387/10/8,1907.Html)
- 33 - طبری، تاریخ طبری، بیروت: دار التراث، 1387 هـ.ق، جلد 2، ص 565؛ جمعی از نویسندگان، همان، جلد 3، صص 416-417.
- 34 - طبری، همان، جلد 2، ص 571؛ عارف کشفی، سید جعفر، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و یهود، قم: چلچراغ، 1389، ص 477.
- 35 - جادوی ذهن: شگردهای جنگ روانی (2)، درج شده در:
[http:// www. Tebyan. Net/ politics- social/ thought/ 2008 / 12 / 28, 1387/10/8, 1907. Html 8.](http://www.Tebyan.Net/politics-social/thought/2008/12/28,1387/10/8,1907.Html)
- 36 - واقدی، همان، جلد 1، ص 185.
- 37 - از این واقعه و وقایع پیشین به خوبی می توان به تأثیر شگفت انگیز شعر در اوضاع آن روز عرب پی برد.
- 38 - سبحانی، همان، 1363، جلد 2، ص 123.
- 39 - واقدی، همان، جلد 1، صص 442-443.